فصلنامه

تاریخ و باستان‌شناسی مازندران

سال نخست، شماره یکم، بهار ۱۳۹۹

فصلنامه
تاریخ و باستان شناسی مازندران

سال نخست - شماره یکم - بهار ۱۳۹۹

مدیرمسئول: .....مهدی عابدینی عراقی
سردبیر:.....سیدرحیم موسوی ساروی
اعضای شورای سردبیری:.....

دکتر علی رستم نژاد، دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر زمانه حسن نژاد، دکتر یوسف الهی، دکتر شهرام قلیپور گودرزی، دکتر جواد لطفی نوذری، دکتر عبدالرضا مهاجری نژاد، دکتر سامان سورتیجی

امور حقوقی:..... دکتر کاوه موسوی
صفحه‌آرایی و طرح جلد: ..... سیدروح الله شجاعی کیاسری
خط عنوان فصلنامه: ..... استاد پیام غضنفری

اعضای شورای علمی: .....

دکتر حمید خطیب شهیدی.....(هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر حسن فاضلی نشلی.....(استاد دانشگاه تهران)
دکتر محمد مرتضایی.....(دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)
دکتر مهرداد ملک‌زاده.....(استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)
دکتر خداداد رضاخانی.....(پژوهشگر و مدرس تاریخ ایران دانشگاه پرینستون آمریکا)
دکتر سینا فروزش.....(استادیار دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)
دکتر علی کالیراد.....(استادیار دانشگاه تهران)
دکتر محمد اسماعیلی جلودار.....(استادیار دانشگاه تهران)
دکتر روبرتو دان (پژوهشگر و مدرس دانشگاه توشا ویتربو و سازمان تحقیقات فرهنگی مدیترانه و آسیا«ایزمئو» ایتالیا)
دکتر عابد تقوی.....(استادیار دانشگاه مازندران)
دکتر رضا شجری.....(استادیار دانشگاه مازندران)
دکتر حسن شجاعی.....(استادیار دانشگاه مازندران)
دکتر علی اصغر کلانتر.....(استادیار دانشگاه مازندران)
دکتر سامان حیدری گوران.....(پژوهشگر ارشد پژوهشگاه موزه نئاندرتال مِتمَن آلمان)
دکتر الهام قصیدیان.....(پژوهشگر ارشد پژوهشگاه موزه نئاندرتال مِتمَن آلمان)
دکتر فرزاد مافی..... (استادیار دانشگاه آزاداسلامی واحد ابهر)
دکترمیرموسی انیران.....(هیأت علمی دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان)
دکتر علی اکبر وحدتی.....(پژوهشگر باستان‌شناسی میراث فرهنگی خراسان شمالی)

***** مقاله‌های این فصلنامه لزوماً بیان‌کننده آرا و عقاید فصلنامه نیست و تنها پژوهش‌های محققان محترم را در بر دارد.**

روی جلد: سگک کمربند مفرغی بدست آمده از گورستان لفورک سوادکوه.
پشت جلد: نقشمایه خورشید با تکنیک نقاشی بر روی چوب. امام‌زاده یک‌تن کوکنده
نشانه: یکی از نقشمایه‌های برج رسکت

**** قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال**

فصلنامه
تاریخ و باستان‌شناسی مازندران

شیوه‌نامه نگارش و تدوین مقالات «فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران»

-مقالات ارسالی می‌بایست حاصل پژوهش های علمی نویسنده یا نویسندگان محترم در حوزهٔ تاریخ و باستان‌شناسی مازندران باشد و پیش از این به چاپ نرسیده باشد.

-گسترهٔ مازندران شامل حوزهٔ جغرافیای فرهنگی و تاریخی مازندران کهن می‌باشد.

-فصلنامه از پذیرش مقالات با رویکردهای: مروری، توصیفی و گزارشی معذور است.

-عنوان مقاله می بایست گویا و بیان کننده محتوا و ماهیت علمی - پژوهشی مقاله بوده و شامل بخش های زیر باشد:

-چکیدهٔ فارسی (حداکثر ۲۵۰ کلمه)، واژگان کلیدی، مقدمه، متن مقاله، نتیجه‌گیری، کتابنامه (فهرست منابع ومآخذ)، منابع تصاویر و چکیدهٔ انگلیسی.

-حداکثر تعداد کلمات هر مقاله می‌بایست ۷۰۰۰ کلمه باشد.

-ارجاعات مقاله باید با روش درون‌متنی و به‌صورت زیر آورده شود:

-(نام خانوادگی، سال انتشار: صفحه)؛ مثال: (ملک شهمیرزادی،۱۳۸۳: ۳۸) در صورت استفاده از منابع چند جلدی: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره جلد/شماره صفحه)؛ مثال: (ستوده، ۱۳۶۶:۴/۵۸۳).

-ارجاعات توضیحی همانند شرح واژگان و برابر انگلیسی کلمات و یا آوانگاری آن، در پانویس آورده شود.

-کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ) هر مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر نوشته شود:

-نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). نام کتاب. نام مترجم و یا مصحح. شماره جلد.(در صورت چند جلدی بودن) شماره چاپ. محل انتشار: نام ناشر

-در صورت بهره‌گیری از مقالات نشریات و فصلنامه‌های معتبر و پژوهشی، به روش زیر نوشته شود:

نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). «نام مقاله». نام مترجم و یا نام مصحح. نام نشریه. سال چندم انتشار. شماره نشریه. صفحات مقاله. محل انتشار.

-در صورت استفاده از منابع دیگر زبان‌ها هر بخش جداگانه تدوین شود همانند:

الف) منابع فارسی؛ ب) منابع عربی؛ ج) منابع انگلیسی و...

- ترجمه مقالات علمی-پژوهشی از محققان ایرانی و خارجی برجسته که پیش‌ازاین در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر شده است، به‌شرط عدم انتشار در نشریات داخل کشور پذیرفته می‌شود. مترجمان محترم لازم است اصل مقاله و مجوز نویسنده یا نویسندگان مقاله را به همراه ترجمه برای فصلنامه ارسال نمایند.

فصلنامه
تاریخ و باستان‌شناسی مازندران

سخن مدیرمسئول

گستردگی و غنای فرهنگ و تمدن ایران‌زمین و خطهٔ کهن مازندران با همان مرزهای تاریخی- فرهنگی و پیشینهٔ شگفت انگیزش برکسی پوشیده نیست. بی‌تردیدگام نهادن در وادی تحقیق و پژوهش‌های باستان‌شناسی وتاریخ در مازندران، دارالمرز ایران، کاری است دشوار و راهی است بی‌نهایت پرپیچ‌وخم.

پژوهش‌گران، در راه شناخت و شناساندن حوزهٔ فرهنگی- تاریخی این ناحیه، با رنج‌های بی‌شمار و تلاش‌های فراوان به دنیای پر رمز و راز ادوار پیشین سرزمینی وارد می‌شوند که هاله‌ای از افسانه‌ها و حکایت‌های کهن آن را فراگرفته است. از دیگر سو همواره نگران هجوم سهمگین تخریب و نابودی آثار و اشیاء تاریخی، نابودی خرده‌فرهنگ‌ها، سنت‌ها و آیین‌های کهن، سطحی‌نگری و بهره‌گیری عوامانه از داده‌های تاریخ و باستان‌شناسی، فعالیت اندیشمند نمایان دروغین نیز باید باشند و به خون‌دل مسیر را دست در دست هم پیش ببرند.

خلاصه آن‌که در این دریای ژرف، آثار و نوشته‌های اینان که با سخت‌کوشی و تنگناهای گوناگون فراهم آمده است، چراغ راه حقیقت‌جویان و دانش دوستان می‌شود.

برای گروه کوچک ما که این راه را با عشق آغاز کرده‌ایم، همین کافی است تا لبخند رضایت بنشیند بر جان تشنگان دانش و حقیقت و ما احساس کنیم که ادای دینی کرده‌ایم به این شمایل زیبایی، مازندران بزرگ.

این فصل‌نامه گام کوچکی است در راه نیل به این نکتهٔ مهم و اساسی که تحقیق، پایهٔ توسعهٔ علمی است و مقدمه‌ای برای رسیدن به جایگاه والاتر دانش و علم در خطهٔ زرین ما.

مهدی عابدینی عراقی

فهرست مطالب

- سخن مدیر مسئول/ مهدی عابدینی عراقی/ ۳
- بازخوانی دو روایت از ناصرالاسلام ساروی دربارهٔ امام‌زاده ابراهیم آمل و مشهدسر و سیدعمادالدین هزارجریبی/یوسف الهی/ ۹-۴
- بسامد نقش‌مایه‌های نمادین و هندسی و شیوه‌های اجرایی آن در تزیینات وابسته به معماری مازندران در دورهٔ قاجار/ زهره ایزدی‌راد/ ۲۵-۱۰
- بررسی تحولات طبقاتی مازندران در دورهٔ پهلوی دوم/زمانه حسن‌نژاد/ ۳۵-۲۶
- تأثیر نقاشی مکتب اصفهان بر نقوش انسانی کاشی‌های کاخ جهان‌نمای فرح‌آباد/حکیمه رازقی منصور- باقر صلح‌جو/ ۴۵-۳۶
- بررسی تحولات مناصب محلی مازندران(والی، وکیل و وزیر)در عصر صفویه/علی رستم‌نژاد نشلی/ ۵۳-۴۶
- یادداشت‌هایی در باب آرشیوهای پهلوی: در جستجوی *هسپین رز Haspīn-raz * و جغرافیای آرشیو تبرستان/ خداداد رضاخانی- ترجمه جواد لطفی نوذری/ ۵۹-۵۴
- نشانه‌ای از هنر سکایی در سوادکوه/مهدی عابدینی عراقی - عبدالرضا مهاجری‌نژاد/ ۷۱-۶۰
- نگاهی به پیشینهٔ مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های مازندران در عصر قاجار/ علی اکبر عنایتی/ ۸۳-۷۲
- تحلیل یافته‌های باستان‌شناختی محوطهٔ معصومی آسیابسر/ سراله قاسمی گرجی- علی کرمی گرجی- هادی میلادی- حکیمه رازقی منصور/ ۹۳-۸۴
- فرجام تقاضای تأسیس مدرسهٔ عالی تجارت در بارفروش/شهرام قلی‌پور گودرزی/ ۱۰۱-۹۴
- معرفی و بررسی ساختار و کارکرد معماری غار- قلعه کیجاکرچال/محمدکشاورز دیوکلایی- روبرتو دان/ ۱۱۱-۱۰۲
- عصرآهن شمال هیرکان/ الیویه لوکنت - ترجمه علی اکبر وحدتی/ ۱۱۹-۱۱۲
- درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری ابن‌اسفندیار در کتاب تاریخ طبرستان/ سیدرحیم موسوی ساروی/ ۱۲۹-۱۲۰

فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران

عصرآهن شمال هیرکان

الیویه لوکنت[۱]
ترجمه علی اکبر وحدتی[۲]

دهستان جزء نخستین مناطق آسیای مرکزی است که فعالیت‌های باستان‌شناختی در آن آغاز شد (تصویر۱) و در دهه‌های گذشته به‌طور متوالی به‌دست افراد مختلف از جمله پژوهش‌گران برجسته‌ای هم‌چون: «میخائیل ماسون، ماروشچنکو، وادیم ماسون»(ماسون،۱۹۵۶: ۳۸۵-۴۵۸) «نیکلای خلُپین و گوریسلاوا لیسیتزینا»(کِسکُستیوچنکو و لیسیتزینا،۱۸۹۰) کاویده و در اوایل دههٔ۱۹۷۰میلادی به‌صورت فشرده به سرپرستی «اِگن آتاگریف» بررسی شد(آتاگریف و لیسیتزینا، ۱۹۷۰؛ مُرادُوا، ۱۹۹۱).

دهستان به بخش شمالی هیرکان(ورکان) گفته می‌شود که بخش جنوبی آن در شمال شرق ایران امروزی را دشت گرگان می‌نامیم (بوشارلا و لوکنت،۱۹۸۷). دشت گرگان با توجه به همجواری با البرز که شاخاب‌های گرگان‌رود از آن جریان می‌یابد و نیز به دلیل بارندگی مناسب، منابع آبی زیادی دارد. این منطقه همواره از نظر کشاورزی شکوفا و کشت و زرع در آن آسان بوده است. دهستان که امروز به آن مشهد مصریان می‌گویند یک دشت رسوبی است که احتمالاً چندین عامل مختلف باعث شکل‌گیری آن شده است: نوسانات سطح آب دریای مازندران، آبرفت‌های رودخانه اُزبوی در شمال و گرانشرفت‌های کوه‌های کپه‌داغ که در مجاورت آن قرار گرفته‌اند. آب‌وهوای این منطقه نیمه خشک است. با وجودی که رودخانهٔ اترک و شاخاب آن، سومبار، در جنوب شرقی دشت مصریان جریان دارند، در این منطقه نمی‌توان بدون آبیاری کشاورزی کرد. امتیاز اصلی دهستان این است که از زمان تخریبش به‌دست مغولان در سدهٔ هفتم هجری دوباره خیلی کم مسکونی شده، به‌نحوی که تمام بقایای باستان‌شناختی آن به‌روشنی دیده می‌شوند. منطقهٔ هیرکان از شمال به کوه‌های بلخان، از شرق به کپه داغ، از جنوب به البرز و از غرب به سواحل دریای مازندران محدود می‌شود.

هدف پروژهٔ ما بررسی استقرار انسان در دشت دهستان به‌طور عام و به‌طور خاص‌تر، کاوش در برخی محوطه‌هایی بود که مراحل عمدهٔ استقرار در آنها وجود داشت(لوکنت،۲۰۰۱: ۱۳۵-۱۷۰). از این رهگذر «گئوکچیک تپه» برای نشان دادن توالی عصرآهن که به آن مجموعهٔ «دهستان کهن» می‌گویند انتخاب شد. این اصطلاح را به «فرهنگ مادائو» ترجیح می‌دهیم که نخستین بار «ماروشچنکو» در اوایل دههٔ۱۹۳۰ آن را به‌کار برد. پیش از پرداختن به خود کاوش ضروری است از تغییرات محیطی سکونت انسان در دهستان به اختصار سخن بگوییم.

۱- باستان شناس فقید فرانسوی و کاوشگر محوطه‌های باستانی ایران، میانرودان، شبه جزیره عربی، آسیای مرکزی(۱۹۴۹- ۲۰۱۹م)
۲- دکترای باستان‌شناسی از دانشگاه پاریس

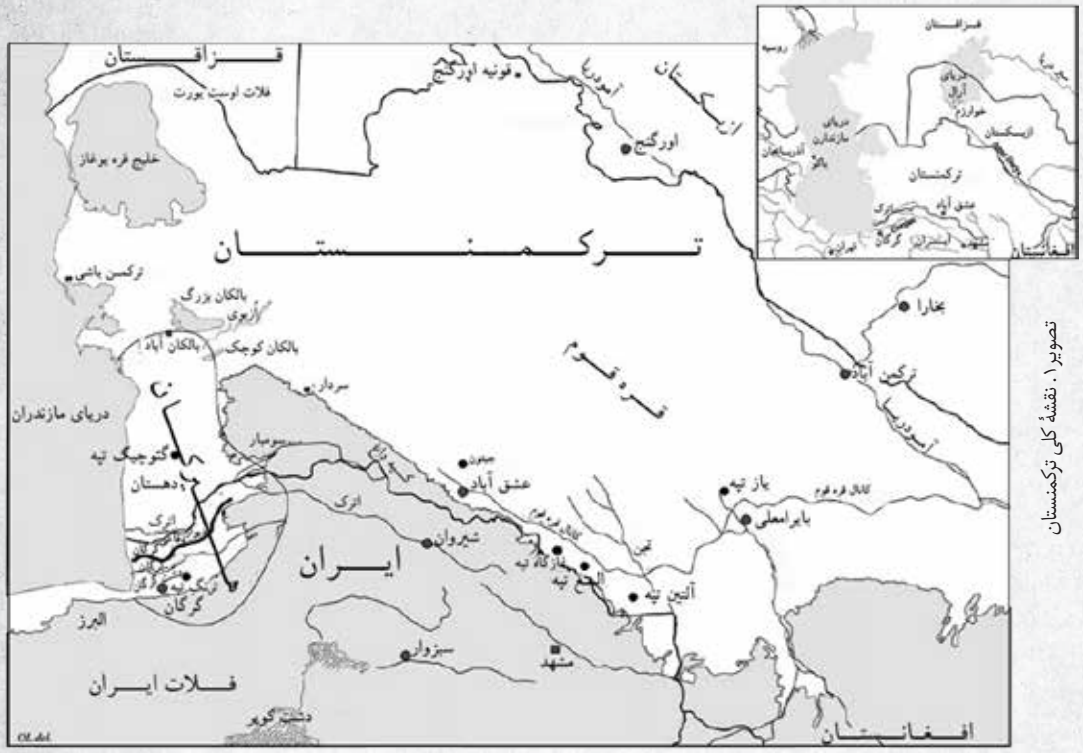

تصویر ۱. نقشهٔ کلی ترکمنستان

پراگندگی محوطه‌ها (تصویر ۳)

پراگندگی محوطه‌ها از نظر دوره‌های باستان‌شناختی نتایج جالبی را نشان می‌دهد.

عصر آهن

محوطه‌های دهستان کهن (سده‌های ۱۳ تا ۶ و ۵ پ.م) که قدیمی‌ترین استقرارهای دشت هستند همگی برای فعالیت‌های کشاورزی به آبیاری وابسته بودند. به همین دلیل است که این محوطه‌ها در نزدیکی رودخانهٔ اترک در بخش جنوبی دشت قرارگرفته‌اند که آب کانال اصلی (کانال شاهدز) از آنجا نشأت می‌گیرد. تقریباً تمام محوطه‌ها در امتداد دو کانال فرعی قرارگرفته‌اند که در جهت جنوب غربی جریان دارند و برخی محوطه‌ها مانند: «تنگسیکیلژا، مادائو تپه و عزت قلی» به دلیل ابعاد بسیار بزرگ‌شان شاخص‌اند (۱۵۰ تا ۲۲۰ هکتار). تمام محوطه‌های استقراری این فرهنگ از نظر توپوگرافی نظام مسکونی «غیرشهری» دارند که در آنها از معبر و خیابان واقعی و دیوار دفاعی خبری نیست ولی تمام آنها قلعهٔ بزرگی دارند که در بعضی موارد روی یک سکوی خشتی بنا شده است. در محدودهٔ این آثار که به اصطلاح شهرگفته می‌شوند، تپه‌های خیلی کوچک‌تری هم به‌چشم می‌خورد که پژوهش‌گران روس به آنها «خانهٔ اربابی» (اوسادبی) می‌گویند. این مکان‌ها اقتصاد کشاورزی دارند که بر مبنای نظام آبیاری پیچیده و بسیار پیشرفته‌ای استوار است. به‌علاوه، این واقعیت که سه محوطهٔ این دوره با وجودی که خیلی به هم نزدیک‌اند، ابعاد مشابهی دارند (بیش از ۱۵ هکتار) تصویر یک جامعه و قدرت غیرمتمرکز را ترسیم می‌کند. این مسأله نه تنها در مورد دهستان صدق می‌کند که بر اساس دانش کنونی ما زودتر از دشت گرگان در عصرآهن (سدهٔ ۱۳ پ.م) مسکونی شد (در گرگان، برای مثال در ترنگ تپه، لایه‌های قبل از سدهٔ ۸ پ.م شناسایی نشده است)، بلکه شامل تمام منطقه نیز می‌شود که هیرکانِ دورهٔ بعد (دورهٔ تاریخی) را تشکیل می‌دهد (کلوزیو، ۱۹۸۵: ۱۷۵-۱۸۶). باید تأکید کرد که مواد فرهنگی هر دو منطقهٔ دهستان و دشت گرگان از آن دوره تا صدراسلام همسان است. در مورد عصرآهن جدید بقایایی وجود ندارد که بتوان آن را «هخامنشی» دانست. چنان‌که بعداً خواهیم دید در زمان حکمرانی شاهان بزرگ هنوز در دهستان کهن جمعیتی می‌زیستند، ولی بدون هیچ‌گونه نفوذ خارجی هم‌چنان فرهنگ مادی خود را داشتند.

چنان‌که در شکل ۳ نشان داده شده نظام آبیاری پس از عصرآهن در دورهٔ ساسانی هم‌چنان به رشد خود ادامه داد. این تصویر نشان می‌دهد در دورهٔ ساسانی استقرارها به سمت شمال غرب جابجا شد، در حالی که در سده‌های میانی تمام منطقهٔ دشت مشهد مصریان به‌صورت متراکم مسکونی شد.

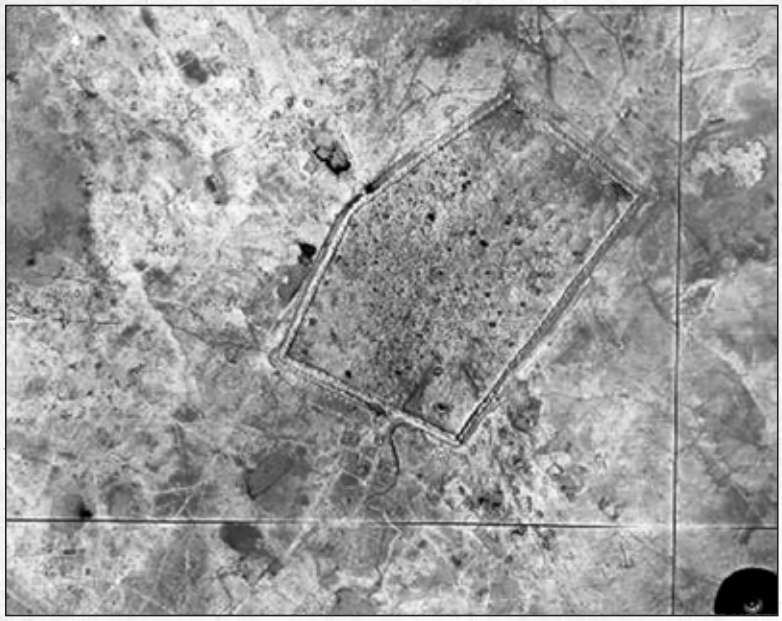

تصویر ۲. منظرهٔ هوایی منطقهٔ مصریان

کاوش گئوکچیک تپه (تصویر ۴)

انتخاب این محوطه که در۱۴کیلومتری غرب شهر سده‌های میانی مصریان قرار گرفته و بین سال‌های ۱۹۹۴و۱۹۹۷کاوش شده دلایل متعددی داشت. موقعیت این تپه(تصویر۳) آن را به شمالی‌ترین محوطهٔ مجموعهٔ دهستان کهن تبدیل کرده و به نظر می‌رسید ابعاد آن برای این که به سرعت کاوش شود مناسب است(تصویر۵). به‌نظر می‌رسید علاوه بر سفال دورهٔ اسلامی تقریباً سفال تمام دوره‌ها در این تپه وجود دارد و سرانجام این‌که «گوریسلاوا لیسیتزینا» در اوایل دههٔ ۱۹۶۰در این تپه، گمانهٔ آزمایشی باز کرده بود و یک استقرار عصر آهن یافته بود. به‌علاوه، این محوطه از دو ساختار مجزا تشکیل شده بود(تصویر۵): تپهٔ اصلی که پلان مدور به قطر حدود۱۲۰متر و ارتفاع۱۱متر دارد و یک محدودهٔ مربوط به دورهٔ ساسانی- اسلامی در جنوب شرقی که با دیوار دفاعی چهارگوش باروبندی شده و هر ضلع آن حدود۲۰۰متر طول دارد. سه فصل اول به کاوش در تپهٔ اصلی اختصاص یافت و در فصل آخر محدودهٔ ساسانی- اسلامی کاوش شد که در اینجا از آن بحث نشده است.

کاوش در تپهٔ اصلی بنای شمالی (تصویر۶)

در حال حاضر این تپه ۱۱متر ارتفاع دارد. کاوش در بالای تپه و در قسمت شمالی، بقایای سازهٔ ستبری را آشکار کرد که تا حد زیادی سالم باقی مانده و به دورهٔ دهستان کهن تاریخ‌گذاری می‌شود(تصویر۸). خیلی زود دیوار جنوبی یک فضای راست‌گوشهٔ وسیع به ابعاد ۱۵/۲۰×۱۶/۶۰ متر از خاک بیرون آمد. بنابراین، پلان این بنا به‌دست آمد(مساحت سطح درونی بیش از۲۵۰مترمربع) که بقایای آن در تمام شیب شمالی تپه امتداد یافته است. فضای راست‌گوشهٔ بزرگ، دیوارهای جداکننده‌ای دارد که ۵ اتاق چهارگوش ایجاد کرده است. این اتاق‌ها به سمت جنوب باز می‌شوند. خیلی زود معلوم شد که تمام این بنا به‌طور یکنواخت با ماسهٔ خالص نارنجی پر شده است (تصویر۷).

شیوهٔ ساخت

باتوجه به این‌که دیوارها به طرز استثنایی سالم باقی مانده می‌توان دربارهٔ شیوهٔ ساخت آنها به نتایجی رسید. خشت‌های بزرگ و پهنی که دیوارها را با آن ساخته‌اند(۱۰-۸×۵۰×۸۰-۷۰ سانتی‌متر) برای روکش کردن تمام برِ داخلی دیوارها هم به‌کار رفته‌اند. تا جایی که می‌دانم این کار کاملاً منحصربه‌فرد است(تصویر۸، ۱ و۲). خشت‌هایی که برای روکش به‌کار رفته به‌وضوح در دو اندازهٔ مختلف ساخته شده‌اند(۵۰×۵۰ و ۱۰-۸×۵۰×۸۰-۷۰ سانتی‌متر)، درحالی‌که توکارِ دیوار، به‌طور یکنواخت از الگوی دهستان کهن پیروی می‌کند. این مسأله ثابت می‌کند که روکش خشتی در وضع موجود خود، علائمی از کار مجدد را نشان می‌دهد. از روی ابعاد این خشت‌ها می‌توان برای این کار مجدد تاریخ دقیق‌تری را تعیین کرد: دورهٔ هخامنشی با ابعادی که در آسیای مرکزی(برای مثال در ارک قالا در واحهٔ مرو) و در برخی محوطه‌های ایران(دهانهٔ غلامان(شراتو،۱۹۹۶ :۹-۳۰)؛ شوش، همدان) خیلی رایج بود. نوعی خشت‌های مربعی که طول هر ضلع آن ۵۰ سانتی‌متر است.

کاوش نشان داد این دیوارها عرض زیادی دارند(تصویر۶). برای تأیید یکدستی این دیوارها در امتداد آنها دو ترانشه باز شد. نظم این سازه حاکی از آن است که دیوارها همزمان ساخته شده و ضخامت آنها ناشی از کار مجدد یا الحاقات نیست. در سمت غرب ۲۵ متر از توکارِ دیوار در ترانشه آشکار شد بدون این‌که به برِ خارجی آن برسیم. در جنوب، عرض دیوار به بیش از ۶ متر رسید که به نظر می‌رسید در انتها به یک تودهٔ بزرگ چینه وصل می‌شد. در سمت شرق عرض دیوار به بیش از۲ متر رسید. عرض دیوار شمالی این بنا ۱۳متر بود. در نمای بیرونی بنا یک تورفتگی وجود داشت که ممکن است نشان دهندهٔ پشتبند در نما باشد. پاکار مغز دیوار در عمق بسیار پایین‌تری است که نمی‌شد به آن رسید، ولی چنان‌که خواهیم دید می‌توان از روی ارتفاع دیوارهای درونی بنای شمالی عمق آن را تخمین زد.

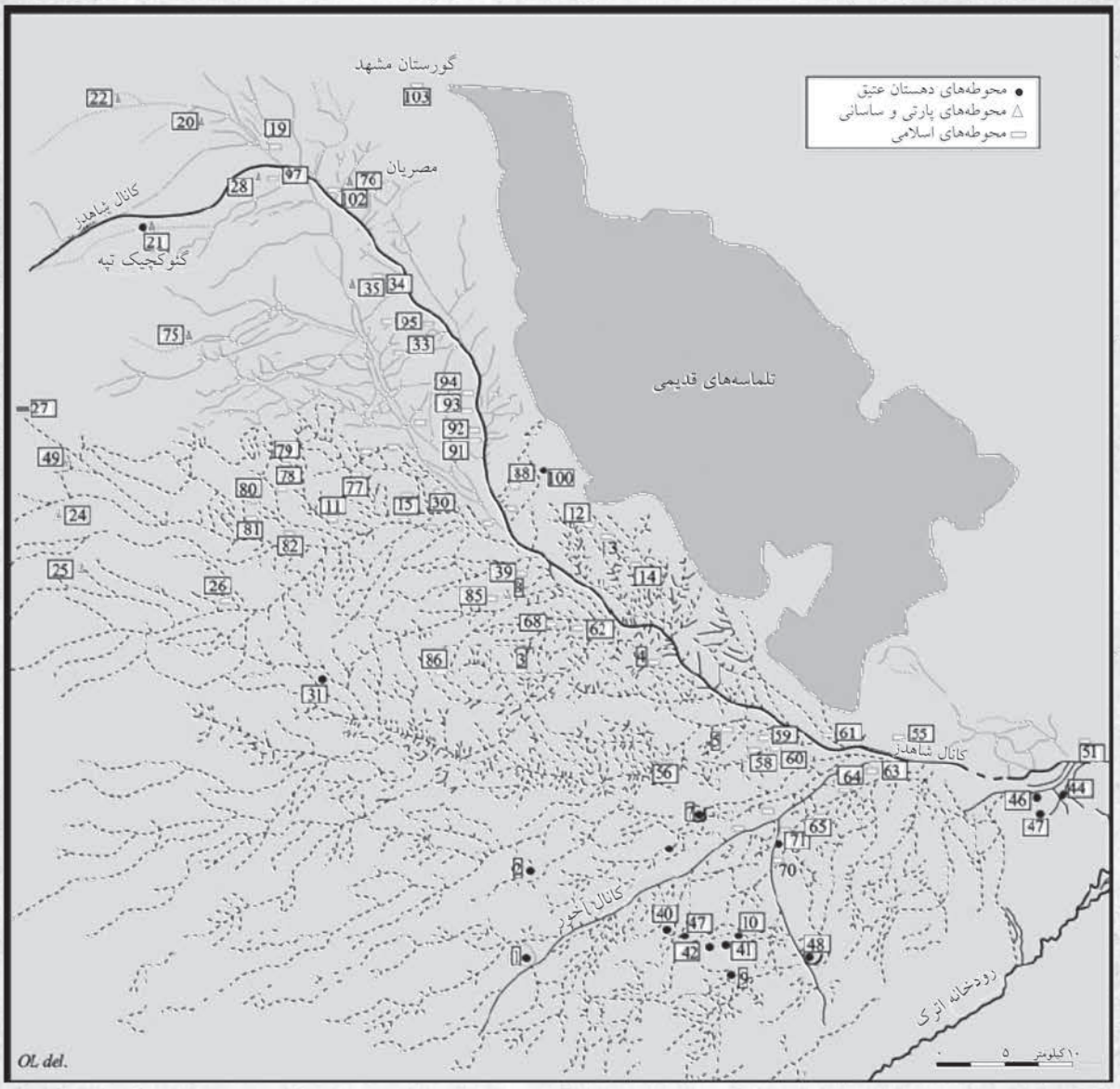

شماره	نام محوطه
۱	تانکسیکلژا
۲	چیقلیک تپه
۳	ایلاتلی محمد آباد
۴	سورت کالا (قلعه)
۵	کیزیلجه چومک
۷	مادانو تپه
۸	دیاندیک
۹	چوپان تپه
۱۰	بی نام
۱۱	گوزل-یوسلا
۱۲	پولاتپکاسی
۱۳	بی نام
۱۴	ارک کالا (قلعه)

شماره	نام محوطه
۱۵	کچیکسیک
۱۹	گنوکی-یوکان کالا
۲۰	خانلی تپه
۲۱	گنوکچیک تپه
۲۲	شاهدز کالا
۲۴	اوتاتپسلیک
۲۵	ایلرکی
۲۶	کوبلی
۲۷	کایراخی
۲۸	بی نام
۳۰	آولی کچیک
۳۱	عزت کولی
۳۳	بی نام

شماره	نام محوطه
۳۴	بی نام
۳۵	بی نام
۳۹	بی نام
۴۰	ادیجه تپه
۴۱	بی نام
۴۲	بی نام
۴۴	تپلکی تپه
۴۶	بی نام
۴۷	بی نام
۴۸	بنگوزن تپه
۴۹	تپه سیلیکمالی
۵۱	بی نام
۵۵	بی نام

شماره	نام محوطه
۵۸	بی نام
۵۹	بی نام
۶۰	بی نام
۶۱	بی نام
۶۲	بی نام
۶۳	بی نام
۶۴	بی نام
۶۵	بی نام
۶۸	بی نام
۷۰	کیزیلی وستوچنایا
۷۱	بی نام
۷۵	اولی کیزیلی
۷۷	خانم جاتان

شماره	نام محوطه
۷۸	بی نام
۷۹	بی نام
۸۰	بی نام
۸۱	بی نام
۸۲	بی نام
۸۵	بی نام
۵۶	بی نام
۸۸	بی نام
۹۱	بی نام
۹۲	بی نام
۹۳	بی نام
۹۴	بی نام
۹۵	بی نام
۹۷	بی نام
۱۰۰	بی نام
۱۰۲	بی نام
۱۰۳	مشهد

تصویر ۳. پراکندگی محوطه‌های باستانی در دشت مصریان

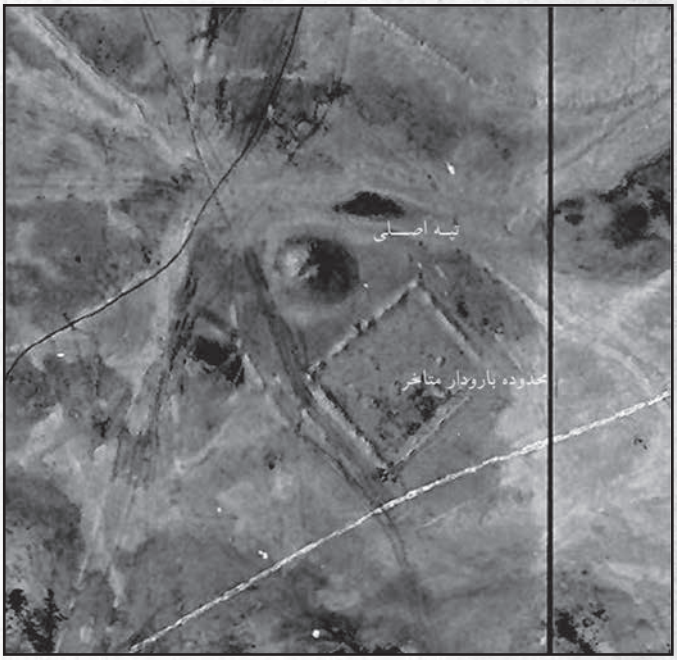

تصویر ۴. عکس هوایی محدودهٔ باستان‌شناختی گئوکچیک تپه

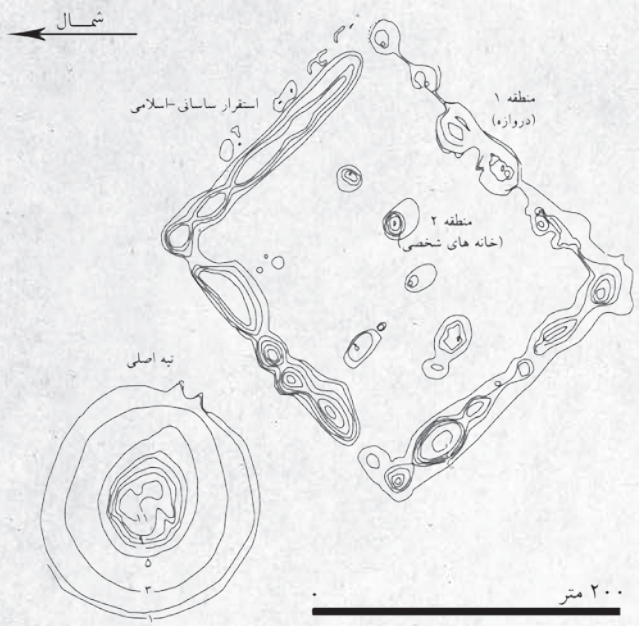

تصویر ۵. نقشهٔ توپوگرافی محدودهٔ باستان‌شناختی

چنین حجم بزرگی از خشت‌چینی فقط می‌تواند مربوط به دو سکوی بلند باشد که به یک تودهٔ چینه (پخشه) متصل می‌شد که مرکز تپه را دربر می‌گرفت و یکی از آنها بنای شمالی را شامل می‌شد.

در عمق ۱۳/۴۰ سانتی‌متر پایین‌تر از سطح بالایی برجا مانده از دیوار غربی به کف ساختمان رسیدیم (تصویر۹) که بیش از ۲۵ مترمربع از آن کاوش شد. این کف از یک لایه گل خاکستری کاملاً یکدست و به‌دقت کوبیده شده تشکیل شده است و در آن موادی کشف نشد. شیوهٔ مسقف کردن بنا هنوز مشخص نشده است: عرض بزرگ‌ترین اتاق بیش از ۱۰ متر است که سقف زدن در آن مستلزم بهره‌گیری از تعدادی تیر است. به نظر نمی‌رسد بتوان در سقف داشتن این بنا تردید کرد، چون روکش خشتی دیوارها به طرز استثنایی سالم باقی‌مانده، در صورتی که اگر این فضا روباز می‌بود یقیناً این خشت‌ها در اثر عواملی چون باد و باران فرسایش می‌یافت.

یکدستی کامل پرشدگی ماسه هم مشکل‌ساز است: هیچ‌گونه لایه‌بندی یا لایهٔ شیب‌داری تشخیص داده نشد که نشان دهد بنا پس از تخریب با نهشته‌های بادی پر شده باشد. از سوی دیگر اگر این اتفاق افتاده باشد با توجه به این‌که جهت وزش باد از شمال غرب است باید نمای داخلی دیوار شرقی و به‌ویژه روکش خشتی آن فرسایش می‌یافت و باعث می‌شد خشت‌های عمودی کار شدهٔ درجا از قسمت بالایی دیوار فرو می‌افتاد. بنابراین، می‌توان این فرضیهٔ موقتی را پذیرفت که پرشدگی به‌دست انسان انجام شده و نوعی پرکردن آیینی است، مثل آنچه برای نمونه در محوطهٔ مادی نوش‌جان می‌بینیم.

بنای جنوبی و برخی عناصر گاهنگارانه (تصویر۱۱)

گسترش کاوش به سمت جنوب در بخش فوقانی تپه منجر به آشکار شدن سازه‌های طرف دیگر بنای درحال کاوش شد. در این بخش علاوه بر دیوارها و اتاق‌هایی که از خاک بیرون آمد (تصویر۹) چاله‌های زباله‌ای پیدا شد که اطلاعات گاه‌نگاری ارزشمندی از آنها به‌دست آمد. یکی از این چاله‌ها در داخل آوار یک سازهٔ حرارتی حفر شده که در آن اسکلت کامل یک چارپای کوچک در حالت اولیهٔ خود و بدون از هم پاشیدن کشف شد.

یکی دیگر از این چاله‌ها در داخل پرشدگی باستانی یکی از اتاق‌های بنای جنوبی حفر شده بود. در این چاله که تعداد زیادی استخوان حیوانات (لوکنت و مشکور، ۱۹۹۷: ۹-۲۲)، به‌ویژه استخوان گراز وحشی در آن به‌چشم می‌خورد (تصویر۱۲)، چندین ظرف سفالی شکستهٔ دهستان کهن هم پیدا شد.

در شرق، گوری در تودهٔ چینه حفر شده بود که در چالهٔ چهارگوش مستطیلی آن بقایای بسیار در هم شکسته و پراکندهٔ استخوان چهارنفر به چشم می‌خورد (نشان دهندهٔ عمل زدودن گوشت با گذاشتن جسد در هوای آزاد). یک سرپیکان مفرغی در کنار این بقایای استخوانی پیدا شد. این سرپیکان دوپره است و بروی حفرهٔ ساقهٔ پیکان زائدهٔ تیزی وجود دارد. این‌گونه سرپیکان در محوطه‌های دهستان کهن متداول است و به سده‌های ۷-۶ پ.م تاریخ‌گذاری می‌شود (کلوزیو، ۱۹۷۷: ۱۸۷-۲۰۰).

این سرپیکان و نیز گوری که سرپیکان در آن پیدا شد، نشانه‌های مهمی هستند که به کمک آنها می‌توان پایان استقرار عصر آهن در گئوکچیک تپه را تاریخ‌گذاری کرد؛ دوره‌ای که بنای جنوبی متروک و ویرانه‌های آن مدتی دوباره مسکونی شد. ولی تاریخ‌هایی که ذکر کردیم، جدیدتر از تاریخ‌هایی هستند که عموماً تصور می‌شود فرهنگ دهستان کهن در آن زمان پایان یافته است (سدهٔ ۸ پ.م) و همین مسأله در مورد مدت دوام مجموعه سفال مشخصهٔ این فرهنگ (تصویر۱۳) مشکل ایجاد می‌کند. من معتقدم این نوع سفال‌ها تا دورهٔ هخامنشی ادامه یافت. سرپیکان‌ها و ابعاد خشت‌ها در اینجا تا حدی این نظریه را تأیید می‌کنند. تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ بر روی یک نمونهٔ برداشته شده از چالهٔ زبالهٔ پیش‌گفته که پس از متروک شدن و تخریب بنای جنوبی حفر

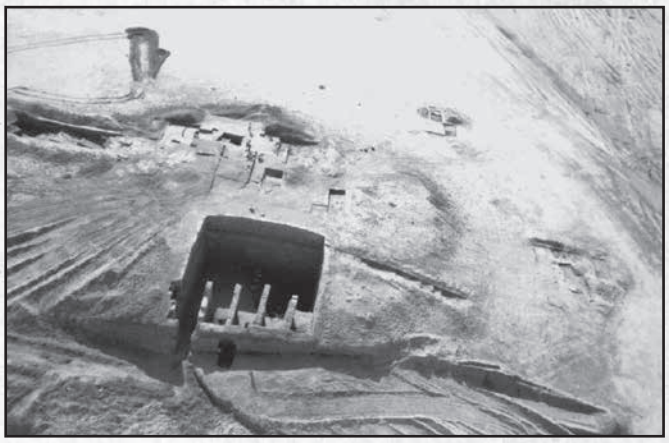

تصویر ۶. عکس هوایی با کایت از بنای شمالی

تصویر ۷. عکس هوایی بنای شمالی

شده، نشان می‌دهد تاریخ دوباره مسکونی شدن ویرانه‌های این بنا نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱ پ.م است.[۳] تمام شواهد گاه‌نگارانه نشان می‌دهد که ساخت‌وساز سازهٔ ستبر گئوکچیک تپه در مراحل نسبتاً اولیهٔ دورهٔ دهستان کهن انجام شده است. همان‌طور که می‌توان دید، بقایای معماری که تا کنون در بالای تپه کاوش شده از نظر ارتفاع باقی مانده و میزان سلامت بسیار دیدنی‌اند. این بقایا مربوط به یک مجموعهٔ ساختمانی بزرگ‌تر است که تمام تپه را دربر گرفته و بناهای مورد بحث با آنها مرتبط بوده است. آن‌چه در کاوش این محوطه پیدا شده به قدری هست که به کمک آنها بکوشیم تا کارکرد محوطه را تفسیر کنیم. این بنا بسیار ستبرتر از آن است که یک اقامتگاه کاخی یا قلعه باشد. وجود سکوهای بزرگ در آسیای مرکزی از عصر مفرغ تا عصر آهن جدید به خوبی تأیید شده و معماری «گئوکچیک تپه» دقیقاً به این سنت مربوط است.

موقعیت این محوطه در حدود ۶کیلومتری شمال غرب استقرارهای اصلی عصرآهن باید به کارکرد آن مربوط باشد که به نظر من نه دفاعی است و نه اقامتگاهی. باید تأکید کرد که نظام آبیاری، آن‌طوری که در تصاویر هوایی دیده می‌شود به دورهٔ بسیار جدیدتری مربوط است.

تصویر ۸. خشت‌هایی با دو اندازهٔ مختلف در روکش دیوار جنوبیِ بنای شمالی

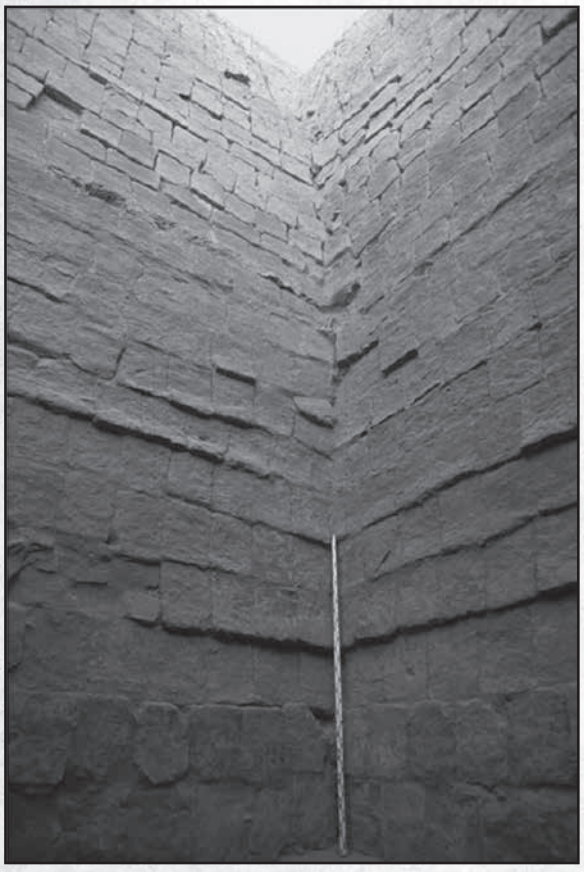

تصویر ۹. کف و گوشهٔ جنوب شرقی بنای شمالی

کانال اصلی پیش از دورهٔ ساسانی هرگز به گئوکچیک تپه نرسید. وجود استخوان‌های پوسیدهٔ انسان که در سطح تپه و بالای سازه‌های آن پراکنده شده با قدرت نشان می‌دهد دست کم از بنای شمالی - که تأکید می‌کنم پلان آن منحصربه‌فرد است- استفادهٔ تدفینی می‌شد. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم زمانی که در داده‌های باستان‌شناختی

3 -Beta-112178 (Geoktchik 95, E32): 290050+BP. Variables: C13/C12=-25.4. Dating Beta Analytic. Cal. BC. 2 sigma: 12501 .925- sigma: 1135-1000.

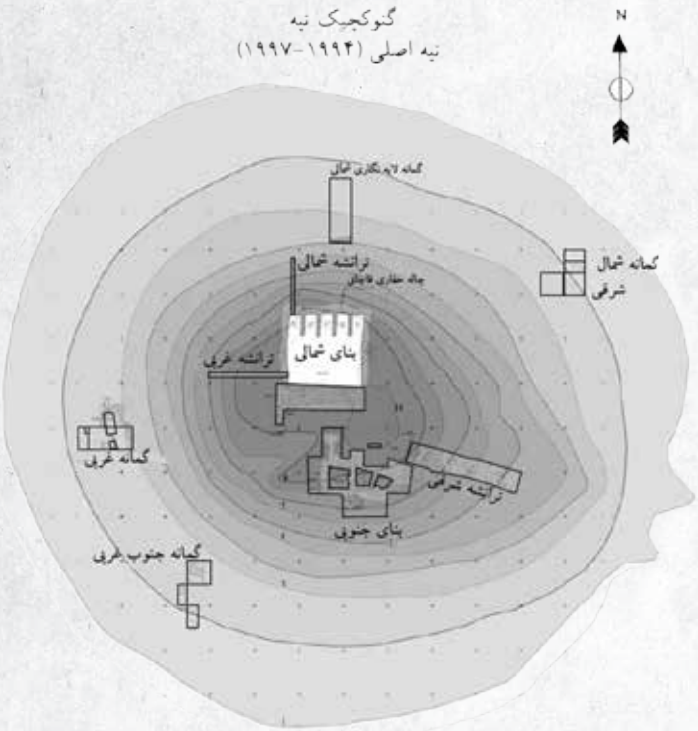

شبکه ۱۰ متری
تصویر۱۰. پلان عمومی تپه اصلی

تصویر۱۱. نمای کلی بنای جنوبی

تصویر۱۲. چالهٔ زباله که در آن استخوان حیوانات و سفال دهستان کهن به چشم می‌خورد

آسیای مرکزیِ یکجانشین آن‌طور که عموماً تصور شده به دلیل گسترش زرتشتی‌گری دیگر خبری از تدفین نیست، گئوکچیک تپه احتمالاً یک مجموعهٔ تدفینی طبقهٔ نخبهٔ دهستان کهن بوده است. باتوجه به موقعیت گئوکچیک تپه که از زمین‌های کشاورزی دور است، شاید کارکرد این محوطه به صورت نمادین حفاظت از ساکنان منطقه بوده، حال آن‌که در عالم واقع سکوهایی که در منطقهٔ مسکونی قلعه‌ها را بروی آنها می‌ساختند، چنین نقش حفاظتی را ایفا می‌کردند.

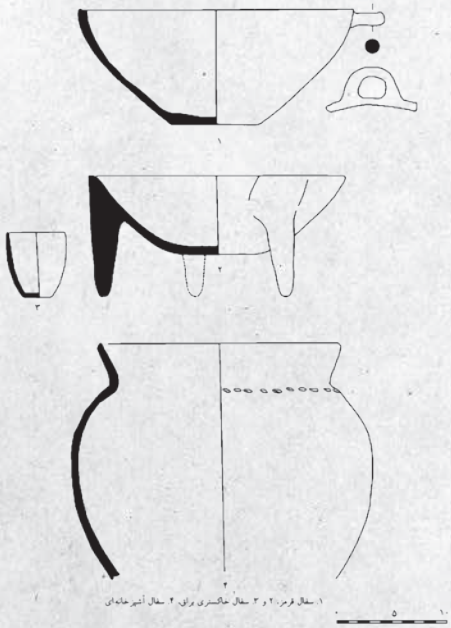

تصویر۱۳. سفال دهستان کهن

کتابنامه

ATAĞARRYEW, E. et LISITSYNA, G. N., 1970, « РАБОТЫ НАД СОСТАВЛЕНИЕМ АРХЕОЛОГИЦЕСКОЙ КАРТЫ МЕШЕД-МИСРИАНСКОЙ РАВНИНЫ — ЧАТСКОГО МАССИВА». «Raboty nad sostavleniem arkheologitcheskoj karty Meshed-Misrianskoj ravniny — Tchatskogo massiva». «Travaux pour l'établissement de la carte archéologique de la plaine de Meshed-Misrian — du massif de Tchat». КАРАКУМСКИЕ ДРЕВНОСТИ III, АШХАБАД. (Karakumskije Drevnosti III, Achkhabad).

BOUCHARLAT, R. et LECOMTE, O., 1987, *Fouille de Tureng Tepe. Sous la direction de Jean Deshayes. 1 Les Périodes Sassanides et Islamiques*. ERC. Paris.

CLEUZIOU, S.,1977, «Les Pointes de Flèches Scythiques au Proche et Moyen-Orient ». *Le Plateau Iranien et l'Asie Centrale des Origines à la Conquête Islamique*. J. Deshayes, éditeur. CNRS. Paris.

CLEUZIOU, S., 1985, «L'Age du Fer à Tureng Tepe (Iran) et ses Relations avec l'Asie Centrale ». *L'Archéologie de la Bactriane Ancienne*. CNRS. Paris.

KES' A., KOSTJUCHENKO, V. P., LISITSYNA, G. N., 1980, ИСТОРИЯ ЗАСЕЛЕНИЯ И ДРЕВНЕЕ ОРОШЕНИЕ ЮГО-ЗАПАДНОЙ ТУРКМЕНИИ. НАУКА. МОСКВА. *Istorija zaselenija i drevnee oroshenie jugo-zapadnoj turkmenii*. NAUKA. Moskva. «*Histoire du peuplement et de l'irrigation du sud-ouest de la Turkménie*». NAUKA. Moscou.

LECOMTE, O. et, MASHKOUR, M., 1997, «Hyrcanie et Dehistan, de l'Age du Fer à la période islamique (13e s. av.-8e s. ap. J.-C.)». *Bastan Shinasi ve Tarikh*, vol XXVI, 1997. Téhéran (en persan).

LECOMTE, O., 2001, «Vehrkânâ and Dehistan: late farming-communities of south-west Turkmenistan from the Iron Age to the Islamic period» *Parthica*, vol I .

MASSON, V. M., 1956, « ПАМЯТНИКИ КУЛЬТУРЫ АРХАИЧЕСКОГО ДАХИСТАНА В ЮГО-ЗАПАДНОЙ ТУРКМЕНИИ». «Pamjatniki kul'tury Dakhistana v jugo-zapadnoj Turkmenii», «Les Monuments de la Culture du Dakhistan dans le Sud-Ouest de la Turkménie». ТРУДЫ ЮЖНО-ТУРКМЕНИСТАНСКОЙ АРХЕОЛОГИЧЕСКОЙ КОМПЛЕКСНОЙ ЭКСПЕДИЦИИ. ТОМ VII. АШХАБАД. 1956. «*Travaux de l'Expédition Archéologique Complexe du Sud Turkménistan*», Tome VII. Ashkhabad, pp. 385-458.

MURADOWA E. A., 1991, поселения архаического дахистана. ылым. ашхабад. 1991. «*Poselenija arkhaïcheskogo Dakhistana*». YLYM. Ashkhabad. 1991. «*Les Etablissements du Dehistan Archaïque*». YLYM. Achkhabad, 1991.

SCERRATO U., 1966, «Dahan-i Ghulaman (Seistan. Iran). First preliminary report». *East and West*, vol. 16, no 1-2.

The Quarterly Journal of History and Archaeology of Mazandaran

Vol.1,No.1,Spring2020